برخی از ویژگى‏های مورد انتظار از مؤمنان در كلام امام صادق علیه‌السلام

حضرت صادق علیه السلام ششمین پیشوای شیعیان جهان در 17 ربیع الاول سال 83 ه. ق در مدینه منوره دیده به جهان گشود. پدر بزرگوارش حضرت امام محمد باقر علیه السلام و مادر گرامی اش‌ام فروه، دختر قاسم بن محمد بن ابی بكر می‌باشد. اسم آن حضرت جعفر و كنیه‌اش ابو عبدالله و ابو اسماعیل و القاب شریفش صادق، صابر، فاضل و طاهر است (1) .

امامت آن حضرت كه همزمان با شهادت پدر ارجمندش از سال 114 شروع شد، با حكومت 5 تن از خلفای اموی و عباسی به ترتیب هشام بن عبدالملك (نهمین خلیفه اموی) ، ابراهیم بن ولید (دهمین خلیفه اموی) و مروان بن محمد آخرین خلیفه اموی (126- 132) و عبد الله سفاح (اولین خلیفه عباسی) و ابوجعفر منصور دوانیقی (دومین خلیفه عباسی) مصادف بود. آن بزرگوار در 25 شوال سال 148 ه. ق در سن 65 سالگی توسط منصور دوانیقی مسموم شد، در مدینه منوره به شهادت رسید و در قبرستان بقیع به خاك سپرده شد.

امام صادق علیه السلام در مدت 34 سال امامت پربركت خویش نقش شایسته‌ای در گسترش فرهنگ حیاتبخش اسلام انجام داد. آن حضرت با استفاده از فرصت بدست آمده در عصر خویش (درگیری و نزاع میان بنی امیه و بنی عباس) وسیعترین دانشگاه اسلامی را پی ریزی نمود؛ در دانشگاه آن حضرت حدود چهار هزار نفر شاگرد پرورش یافتند كه برخی از آنان از رهبران فكری تشیع به شمار می‌آیند. هشام بن حكم، عبد الله بن ابی جعفر، هشام بن سالم، محمد بن مسلم، مفضل بن عمر و جابر بن حیان از آن جمله اند.

كوفه یكی از مهم‌ترین كانون‌های تجمع پرورش یافتگان دانشگاه جعفری علیه السلام بود. حسن بن علی بن زیاد وشاء كه از شاگردان امام رضا علیه السلام است نقل می‌كند كه: در مسجد كوفه 900 نفر استاد حدیث مشاهده كردم كه همگی از جعفر بن محمد علیه السلام حدیث نقل می‌كردند (2) . در مكتب آن حضرت نه تنها شیعیان بلكه غیر شیعیان نیز حضور می‌یافتند. پیشوایان چهارگانه اهل سنت با واسطه یا مستقیما از امام صادق علیه السلام بهره برده اند.

آن حضرت شاگردان خویش را بر اساس ذوق و استعداد آنان تقسیم نموده و در همان رشته تشویق و تعلیم می‌نمود. و این گونه بود كه مكتب تشیع در اثر تلاش‌های فرهنگی امام صادق علیه السلام به صورت چشم گیری گسترش یافت و به اكثر قلمروهای اسلامی رسید و بسیاری از مسلمانان در آن دوران طلایی به مكتب اهل بیت علیهم السلام گرویدند.

آن حضرت با استفاده از وضعیت موجود وكلای متعددی را در مناطق مختلف مستقر نمود و توسط پرورش یافتگان مكتب خویش دستور العمل‌های فردی، اخلاقی و اجتماعی را به مسلمانان آموزش داد و مكتب اهل بیت علیهم السلام را با زیباترین و محكمترین دلائل به جهان اسلام معرفی نمود.

رهنمودهای راهگشای آن حضرت در زمینه‌های سلوك فردی و اجتماعی، معاشرت با دیگران، برخورد با نسل نو و جوانان، مسائل حقوقی، آداب ازدواج، موضعگیری در مقابل حكومت‌ها و سیاستمداران زمان، آموزه‌های علمی، تربیتی، پزشكی و ده‌ها موضوع دیگر، زینت بخش صفحات زندگی آن حضرت و برگ زرینی در تاریخ شیعه می‌باشد. در این نوشتار گزیده‌ای از سخنان آن حضرت را در بیان ویژگی‌های مورد انتظار از شیعیان و مؤمنان حقیقی گرد آورده و به علاقمندان حضرتش تقدیم می‌داریم. بدیهی است كه این‌ها همه ویژگی‌ها و صفات پیروان اهل بیت علیهم السلام نیست و بیان همه آن‌ها نیازمند یك كتاب مستقل می‌باشد.

استقامت و پایداری

بدون تردید پشتكار و پایداری در راه هدف، از عوامل پیروزی و توفیق انسان به شمار می‌رود. كسانی در زندگی به خواسته‌ها و آرزوهای خود نائل گشته اند كه در راه آن نهایت تلاش و استقامت را نموده اند. امام صادق علیه السلام یكی از مهم‌ترین نشانه‌های شیعه را استقامت در راه حق می‌داند و رسیدن به سعادت حقیقی را در گرو این خصیصه پسندیده قلمداد می‌كند و می‌فرماید: «لو ان شیعتنا استقاموا لصافحتهم الملائكة ولاظلهم الغمام ولاشرقوا نهارا ولاكلوا من فوقهم ومن تحت ارجلهم، ولما سالوا الله شیئا الا اعطاهم (3) ؛ اگر شیعیان ما در راه حق استقامت ورزند فرشتگان آسمان با آنان دست می‌دهند، ابرها [ی رحمت] بر سر آنان سایه می‌افكنند و سیمایشان همانند روز روشن می‌درخشد و از زمین و آسمان روزی می‌خورند و هیچ خواسته‌ای از خداوند نخواهند داشت مگر اینكه خدای متعال به آنان عطا می‌كند..»

عظمت نفس و دوری از ذلت

شخصیت هركس در گرو عزت نفس اوست. انسان به عزت نفس و تكریم شخصیت از همه چیز حتی از آب و غذا بیشتر نیازمند است، چرا كه رنج گرسنگی و تشنگی برطرف می‌شود اما تحقیر شخصیت و آزردگی روح و روان به این سادگی رفع نمی‌شود و چه بسا كه تا آخر عمر انسان را بیازارد. خداوند متعال انسان را عزیز آفریده و هیچگاه به او اجازه تحقیر دیگران و یا شخصیت خویش را نداده است. این سخن در مورد پیروان مكتب تشیع از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. آنان طبق رهنمود امام صادق علیه السلام هیچگاه نباید خود را ذلیل كنند، بلكه باید از كارهای تحقیرآمیز و ذلت آور اجتناب نمایند. آن حضرت شیعیان را از كسالت، تنبلی، دست درازی به سوی دیگران، طمع كاری، زیاده طلبی و سایر امور ذلت آور مبرا می‌داند و می‌فرماید: «شیعتنا لا یهرون هریر الكلب ولا یطمعون طمع الغراب... ولا یسالون لنا مبغضا ولو ماتوا جوعا (4) ؛ شیعیان ما [از فرط ذلت] همانند سگ زوزه نمی‌كشند و مانند كلاغ طمع نمی‌كنند... آنان هیچگاه به سوی دشمنان ما دست [ذلت] دراز نمی‌كنند گرچه از گرسنگی بمیرند..»

خداوند متعال نیز تن دادن به كارهای ذلت آور را از صفات منافقین شمرده و عزت را منحصر به ذات خویش می‌داند: «بشر المنافقین بان لهم عذابا الیما الذین یتخذون الكافرین اولیاء من دون المؤمنین ایبتغون عندهم العزة فان العزة لله جمیعا» (5) ؛ «به منافقان بشارت ده كه عذاب دردناكی در انتظار آن هاست. همان‌ها كه كافران را بجای مؤمنان دوست خود انتخاب می‌كنند. آیا عزت [و آبرو] را نزد آنان می‌جویند با اینكه همه عزت‌ها از آن خداست؟»

زهد و ساده زیستی

از آنجا كه دلبستگی به دنیا و تعلقات آن مانع رسیدن به كمال حقیقی است، نیك مردان الهی همیشه زهد و قناعت را در متن برنامه خود دارند و ساده زیستی، بی پیرایگی و پرهیز از جلوه‌های دنیوی و دل نبستن به مظاهر دنیا و زرق و برق آن از شاخص‌ترین ویژگی‌های آنان است. مطمئنا آنان این شیوه پسندیده را از زندگی پیامبران، اولیاء الهی و عالمان عارف آموخته اند. پیروان حقیقی اهل بیت علیهم السلام خصلت زیبای زهد و ساده زیستی را از آن گرامیان آموخته و این سخن گهربار امام صادق علیه السلام را همیشه آویزه گوش خود دارند كه فرمود: «ان احببت ان تجاور الجلیل فی داره وتسكن الفردوس فی جواره فلتهن علیك الدنیا واجعل الموت نصب عینك ولا تدخر شیئا لغد واعلم ان لك ما قدمت وعلیك ما اخرت (6) ؛ اگر دوست داری كه در درگاه الهی با خداوند متعال همنشین شوی و در بهشت در جوار حضرت باریتعالی مسكن گزینی، باید دنیا [و مظاهر آن] در نظر تو خوار باشد و مرگ را همیشه نصب العین خود قرار بده و برای خود چیزی ذخیره نكن و بدان آنچه قبلا [از اعمال صالح] تقدیم داشته‌ای به حال تو سودمند خواهد بود و از كارهای نیك كه انجام آن را به تاخیر انداخته‌ای ضرر خواهی كرد..»

تلاش برای اصلاح دیگران

از جمله ویژگی‌های مورد انتظار برای شیعیان راستین، هدایت و اصلاح افراد منحرف به طریق صحیح می‌باشد. آنان نه تنها خود راه حقیقت می‌پیمایند بلكه از اعماق جان خویش دوست دارند دیگران هم، چنین باشند. پیروان اهل بیت علیهم السلام تنها بدنبال نجات خویش نیستند بلكه شب و روز در اندیشه اصلاح و راهنمایی گمراهان و آلودگان به انواع انحرافات می‌باشند. آنان با الهام از رهنمودهای پیشوای ششم علیه السلام با بكارگیری شیوه‌های صحیح و پسندیده به اصلاح افراد می‌پردازند و با اخلاق نیك در جذب گنه كاران تلاش می‌كنند و این كلام زیبای رئیس مذهب جعفری را هیچگاه فراموش نمی‌كنند كه فرمود: «لا تقل فی المذنبین من اهل دعوتكم الا خیرا، واستكینوا الی الله فی توفیقهم وسلوا التوبة لهم (7) ؛ در مورد هم كیشان ب دكار خود جز خوبی [و نیكی] چیزی نگو و از خداوند توفیق هدایت و توبه آنان را بخواهید..»

سیره امام صادق علیه السلام نیز در این رابطه می‌تواند راهگشای شیعیان باشد. آن حضرت هنگامی كه متوجه شد، شقرانی (8) (فردی گنه كار و شرابخوار) نمی‌تواند از دربار منصور دوانیقی سهم خود را دریافت كند، به آنجا رفت و سهم شقرانی را گرفت و به وی تسلیم نمود. آن حضرت هنگام پرداخت وجه به شقرانی با لحنی ملاطفت آمیز و مهربان، خطای وی را به او گوشزد كرده و فرمود: كار خوب از هر كسی خوب است ولی از تو بواسطه انتسابی كه به ما اهل بیت داری خوبتر و زیباتر است و كار بد از هر كسی بد است، ولی از تو به خاطر همین انتساب، زشت‌تر و قبیح‌تر است. امام صادق علیه السلام این جمله را فرمود و گذشت. شقرانی با شنیدن این جمله دانست كه امام از سر او و گناهش آگاه است و از اینكه امام با این حال به یاری او شتافته و ابراز محبت نمود و با رفتاری كاملا منطقی و پسندیده وی را به گناهش متوجه ساخت، شدیدا نزد وجدان خود شرمسار گشت و خود را ملامت نمود (9) .

امانت و صداقت

از مهم‌ترین و بارزترین ویژگی‌های مورد انتظار برای شیعیان و مؤمنان، دو صفت والای امانتداری و راستگویی است. این دو خصلت آنچنان اهمیت دارد كه اساس نظم و انسجام و آرامش هر جامعه‌ای را می‌توان با تقویت و ترویج آن دو در میان افراد جامعه پی ریزی نمود و مشكلات را حل كرد و سعادت جوامع را تظمین نمود. امام صادق علیه السلام گذشته از توصیه‌هایی كلی به عموم شیعیان در این رابطه، به برخی از یارانش در این مورد پیام ویژه می‌فرستاد. اهتمام آن حضرت به ترویج و احیای این دو ویژگی انسانی واخلاقی در میان شیعیان، جایگاه آن‌ها را در میان تمام صفات پسندیده و فضائل اخلاقی روشن می‌سازد.

امام صادق علیه السلام به ابی كهمس فرمود: «اذا اتیت عبد الله فاقراه السلام وقل له: ان جعفر بن محمد یقول لك: انظر ما بلغ به علی عند رسول الله صلی الله علیه و آله فالزمه، فان علیا علیه السلام انما بلغ ما بلغ به عند رسول الله صلی الله علیه و آله بصدق الحدیث واداء الامانة (10) ؛ هرگاه پیش عبدالله [بن ابی یعفور] رفتی، سلام [مرا] به او برسان و بگو: جعفر بن محمد به تو می‌گوید: دقت كن در آن چیزی كه به وسیله آن علی علیه السلام در محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله سرافراز شد [و او را به آن مقامات عالی رساند.] پس [تو هم] آن‌ها را برای خودت لازم بدان [و رفتار خویش را با آن اوصاف زیبا بیارای] ، مطمئنا علی علیه السلام با راستگویی و امانتداری در نزد پیامبر صلی الله علیه و آله به آن درجه و عظمت رسید..»

حضرت امام خمینی رحمه الله در شرح این حدیث می‌فرماید: «هان!‌ای عزیز! تفكر كن در این حدیث شریف! بین مقام صدق لهجه و رد امانت تا كجاست كه علی بن ابی طالب علیهما السلام را بدان مقام بلند رسانید. از این حدیث معلوم می‌شود كه رسول خدا صلی الله علیه و آله این دو صفت را از هر چیز بیشتر دوست می‌داشتند كه در بین تمام صفات كمالیه مولی علیه السلام این دو او را مقرب كرده است و بدان مقام ارجمند رسانده است. جناب صادق علیه السلام نیز در بین تمام افعال و اوصاف، این امر را كه در نظر مباركشان خیلی اهمیت داشته، به ابن ابی یعفور كه مخلص و جان نثار آن بزرگوار بوده پیغام داده و سفارش فرموده به ملازمت آن‌ها. (11) .»

حضرت صادق علیه السلام در حدیث دیگری اهمیت این دو صفت را چنین بیان می‌دارد: «لا تنظروا الی طول ركوع الرجل وسجوده فان ذلك شی ء اعتاده، فلو تركه استوحش لذلك ولكن انظروا الی صدق حدیثه واداء امانته (12) ؛ به طول ركوع و سجود شخص ننگرید زیرا به آن عادت كرده و اگر ترك كند به خاطر آن وحشت می‌كند، بلكه به راستی گفتار و امانتداری او بنگرید..»

آری شیعه راستین را با عبادت و اطاعت‌های ظاهری نمی‌توان شناخت بلكه باید در عرصه امتحان، راستی و امانتداری او ثابت شود. چه بسا افرادی كه با انجام عبادت‌های سنگین و اعمال طولانی و ریایی، خود را مؤمن و پیرو اهل بیت علیهم السلام قلمداد می‌كنند، اما در مقام راستی و امانتداری نمی‌توانند از عهده آن برآمده و مغلوب شیطان می‌شوند.

ولایت پذیری

یكی دیگر از ویژگی‌های شیعیان از منظر حضرت صادق علیه السلام پذیرش ولایت و رهبری امامان معصوم علیهم السلام به عنوان تداوم رسالت نبوی صلی الله علیه و آله می‌باشد. شیعه حقیقی آنچنان به ولایت اهل بیت علیهم السلام دلبسته است كه شادی و حزن، خوشی و ناخوشی و تمام لذائذ و شدائد زندگی را با ولایت و محبت ائمه اطهار علیهم السلام پیوند می‌زند. محبت اهل بیت علیهم السلام آنچنان در جان و دل وی رسوخ كرده كه تمام گفتار، رفتار و كردار او با ملاك‌ها و معیارهای اهل بیت علیهم السلام سنجیده می‌شود و آنان به عنوان حجت شرعی برای او هستند.

امام صادق علیه السلام فرمود: «رحم الله شیعتنا خلقوا من فاضل طینتنا وعجنوا بماء ولا یتنا یحزنون لحزننا ویفرحون لفرحنا (13) ؛ خداوند شیعیان ما را رحمت كند كه از زیادی سرشت ما آفریده شده اند و با آب ولایت ما عجین گشته اند. آنان به خاطر اندوه [و غصه های] ما غمناك می‌شوند و با شادی ما شاد می‌گردند..»

امام صادق علیه السلام علاوه بر سفارش‌های مكرر به ولایت پذیری پیروان خویش، در مكتب تربیتی خویش شیعیانی ولایی تربیت نموده و آنان را به این كار تشویق می‌كرد.

داستان ذیل بیانگر این حقیقت است:

عبدالله بن ابی یعفور یكی از شیعیان مخلص و فداكار است كه در پذیرش ولایت ائمه اطهار علیهم السلام اسوه‌ای كامل و نمونه‌ای بارز برای تمام شیعیان می‌باشد. او با همه عظمت علمی و موقعیت اجتماعی كه در میان قوم خود داشت، در برابر فرمان امام علیه السلام تسلیم محض بود. در این مورد داستان مشهوری از وی نقل شده كه نهایت اخلاص و اطاعت وی را از ائمه اطهار علیهم السلام نشان می‌دهد. وی روزی در حضور پیشوای ششم علیه السلام نشسته بود و از وجود حضرتش بهره مند می‌شد. عبدالله، ضمن ارائه سخنانی به امام علیه السلام كلامی را اظهار نمود كه مورد عنایت حضرت قرار گرفت. این سخن وی كه از عمق جان و منتهای ایمان وی ریشه می‌گرفت می‌تواند درسی زیبا و الگویی مناسب برای تمام پیروان و دوستداران اهل بیت علیهم السلام باشد.

او به امام صادق علیه السلام عرضه داشت: «والله لو فلقت رمانة بنصفین فقلت هذا حرام وهذا حلال لشهدت ان الذی قلت حلال، حلال؛ وان الذی قلت حرام، حرام؛ فقال: رحمك الله، رحمك الله (14) ؛ سوگند به خدا! اگر اناری را از وسط دو نصف كنی و بفرمایی كه نصف آن حلال و نصف دیگرش حرام است، مطمئنا گواهی خواهم داد كه: آنچه را گفتی حلال، حلال است و آن نصفی را كه فرمودی حرام، حرام است [و هیچگونه چون و چرا نخواهم كرد.] امام صادق علیه السلام فرمود: خدا تو را رحمت كند، خدا تو را رحمت كند..»

شهرت گریزی

مؤمن و شیعه واقعی بر این باور است كه كار و عمل انسان باید برای جلب رضایت حضرت حق باشد و به غیر از این عمل وی ارزش حقیقی نخواهد داشت. كسانی كه برای خوشایند دیگران و جلب رضایت آنان - كه در مسیر حق نیستند - تلاش می‌كنند، كاری بیهوده و عبث انجام می‌دهند. اساسا خودپرستی با خداپرستی در تضاد است. از منظر امام صادق علیه السلام عمل ریایی كه برای خشنودی خداوند متعال نبوده و تنها برای ارضای نفس و یا خوشایند دیگران انجام می‌گیرد، نزد خداوند عالم پشیزی ارزش ندارد. آن وجود گرامی در یك سخن بلیغ فرمود: «كل البر مقبول الا ما كان رئاء (15) ؛ تمام نیكی‌ها پذیرفته می‌شود مگر اعمالی كه بخاطر ریا [و نشان دادن به دیگران] انجام گرفته باشد..»

پیشوای ششم در توضیح سخن خویش به عبدالله بن جندب (16) می‌فرماید: «لا تتصدق علی اعین الناس لیزكوك، فانك ان فعلت ذلك فقد استوفیت اجرك، ولكن اذا اعطیت بیمینك فلا تطلع علیها شمالك (17) ؛ هیچگاه صدقه [و كارهای نیك] را جلو چشم مردم انجام مده به قصد اینكه تو را [مردی] پاكیزه انگارند، كه اگر به این [سخن] عمل كنی اجر و پاداش خود را به نحو كامل دریافت خواهی كرد، ولی [به خاطر داشته باش] كه اگر با دست راست خود بخشش می‌كنی دست چپ خود را مطلع نساز. (18) .»

رسیدگی به خانواده

توسعه دادن به زندگی خانوادگی و خوشرفتاری با اعضای خانواده یكی دیگر از ویژگی‌های مورد انتظار برای مؤمن و شیعه كامل می‌باشد. پیرو حقیقی امام صادق علیه السلام هیچگاه نسبت به خانواده خود، تنگ نظر، سخت گیر و بدرفتار نیست. او تلاش می‌كند كه به نحو شایسته‌ای با همسر و فرزندان خود معاشرت نماید و در صورت امكان به رفاه و امور معیشتی خانواده گسترش دهد.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «ان عیال المرء اسراءه فمن انعم الله علیه نعمة فلیوسع علی اسرائه فان لم یفعل اوشك ان تزول تلك النعمة (19) ؛ اعضای خانواده یك مرد [همانند اسیر اویند. پس هر كسی كه خداوند متعال نعمتی به او عطا كند، باید به خانواده [و زیردستان] خود گشایشی در زندگی ایجاد كند كه اگر چنین نكند ممكن است این نعمت از دست او خارج شود..»

در روایتی دیگر امام صادق علیه السلام شیعیان را به خوشرفتاری با خانواده سفارش نموده و آنرا موجب طولانی شدن عمر می‌داند و می‌فرماید: «من حسن بره فی اهل بیته زید فی عمره (20) ؛ هر كس با خانواده خود خوشرفتاری نماید عمرش طولانی خواهد شد..»

رعایت ادب در معاشرت با دیگران

ادب و مواظبت بر فضائل اخلاقی از بزرگترین سرمایه‌های معنوی برای هر انسان محسوب می‌شود.

انسان با رعایت آداب اخلاقی و اجتماعی جایگاه خود را در جامعه تحكیم بخشیده و دل‌ها را به سوی خود جذب می‌كند. دوست و دشمن، افراد با ادب را ستوده و از اعماق جان به آنان به دیده احترام می‌نگرند.

امام صادق علیه السلام رعایت اصول اخلاقی و توجه به آداب انسانی را از ویژگی‌های مكتب تشیع دانسته و آن را بر شیعیان راستین امری ضروری و لازم می‌شمارد و می‌فرماید: «لیس منا من لم یوقر كبیرنا ولم یرحم صغیرنا (21) ؛ شیعه ما نیست كسی كه بزرگترها را احترام نكند و به كوچكترها ترحم ننماید..»

همیاری با برادران دینی

تعاون و همیاری در بین پیروان اهل بیت علیهم السلام گذشته از اینكه موجب نزدیكی دل‌ها و ایجاد انس و محبت می‌شود، از مهم‌ترین عوامل اقتدار و تحكیم ارتباط در میان آنان می‌باشد.

آنان با كنار گذاشتن اختلاف نظرها و سلیقه‌های مختلف و احترام به همدیگر در پیشبرد و نشر فرهنگ اهل بیت علیهم السلام نهایت سعی خود را مبذول می‌دارند. شیعیان حقیقی با دوری از هوای نفس و رد خواست‌های شیطانی مخالفین مكتب متعالی تشیع، با همدیگر مانوس شده و در راه ترویج معارف اسلامی و آموزه‌های اهل بیت علیهم السلام تلاش می‌كنند. امام صادق علیه السلام در این مورد به یكی از یاران خود می‌فرماید: «بلغ معاشر شیعتنا وقل لهم: لا تذهبن بكم المذاهب، فوالله لا تنال ولایتنا الا بالورع والاجتهاد فی الدنیا ومواساة الاخوان فی الله (22) ؛ به شیعیان ما برسان و بگو: مبادا گروه‌ها [ی منحرف] شما را اغفال كنند، به خدا سوگند! به ولایت ما اهل بیت نمی‌توان رسید مگر با تقوی و تلاش در دنیا و همكاری با برادران دینی در راه خدا..»

دوری از مجالس گناه

یكی از عوامل تاثیر گذار در روح و روان انسان محیط اطراف اوست. عوامل انحرافی از جمله محفل‌های آلوده و اجتماعات ضد ارزشی كه افراد گنهكار و فاسد آن‌ها می‌گردانند، تاثیرات فراوانی را در افراد شركت كننده باقی می‌گذارد و آنان خواهی نخواهی همرنگ با اهل فسق و فجور و معصیت می‌شوند.

بدین جهت امام صادق علیه السلام مؤمنین را از شركت در این محافل نهی كرده و آنان را از رفتن به چنین مكان‌هایی برحذر می‌دارد، مگر اینكه برای تغییر وضعیت موجود باشد. آن حضرت می‌فرماید: «لا ینبغی للمؤمن ان یجلس مجلسا یعصی الله فیه ولا یقدر علی تغییره (23) ؛ برای مؤمن شایسته نیست كه در مجلسی بنشیند كه در آن معصیت خداوند انجام می‌شود و او توانایی تغییر آن را ندارد..»

استفاده از فرصت‌ها

فرصت‌های بدست آمده در زندگی كم است و سریعا از دست انسان خارج می‌شود. انسان موفق كسی است كه از هر فرصت بدست آمده - گرچه كوتاه مدت باشد - برای رسیدن به هدف خویش بهره گیرد. پیشوای ششم در این زمینه به پیروان خود فرمود: «من انتظر عاجلة الفرصة مؤاجلة الاستقصاء سلبته الایام فرصته، لان من شان الایام السلب وسبیل الزمن الفوت (24) ؛ هر كس [در فرصت‌های بدست آمده كه كوتاه و گذرا هستند] به انتظار فرصت‌های كاملتری در آینده بنشیند، روزگار آن فرصت [كوتاه] را نیز از او خواهد گرفت؛ چرا كه عادت روزگار سلب [فرصت ها] و روش زمانه از دست رفتن است..»

تلاوت قرآن

قرآن كلام الهی، و جلوه‌ای از قدرت و علم و حكمت پروردگار است و آیات نورانی آن نشانگر عظمت خداوند متعال می‌باشد. قرآن برنامه زندگی یك مسلمان و معارف آن گنجینه‌ای بی پایان است. قرآن عهدنامه‌ای میان خداوند و مردم می‌باشد.

امام صادق علیه السلام با اشاره به این عهدنامه گرانبها، به مسلمانان سفارش می‌كند كه هر روز پنجاه آیه از این كتاب را تلاوت كنند: «القرآن عهد الله الی خلقه، فقد ینبغی للمرء المسلم ان ینظر فی عهده وان یقرء منه فی كل یوم خمسین آیة (25) ؛ قرآن عهدنامه خداوند متعال به انسان‌ها می‌باشد، برای مسلمان شایسته است كه به این عهدنامه بنگرد و در هر روز پنجاه آیه از آن را تلاوت كند..»

آن حضرت در سخن دیگری به كیفیت تلاوت و آداب قرائت قرآن پرداخته و فرمود: «علیكم بالقرآن! فما وجدتم آیة نجابها من كان قبلكم فاعملوا به، وما وجدتموه هلك من كان قبلكم فاجتنبوه (26) ؛ بر شما باد تلاوت قرآن، پس هر آیه‌ای یافتید كه كسانی قبل از شما [با عمل به آن] نجات یافته اند، شما هم به آن عمل كنید و هر آیه‌ای را مشاهده كردید كه بیانگر عوامل هلاكت [و نابودی] پیشینیان است، شما هم از آن [عوامل] پرهیز كنید..»

* **پاورقــــــــــــــــــــی**

1) كشف الغمه فی معرفة الائمه، ج 2، ص 154.

2) رجال نجاشی، ص 39.

3) تحف العقول، ص 302.

4) همان، ص 303؛ از آنجایی كه هریر به معنای پارس كردن سگ به روی میهمان نیز آمده است، می‌توان از این حدیث صفت دیگری را برای شیعیان برشمرد و آن پرخاش نكردن و عصبانی نشدن در معاشرت هاست.

5) نساء/138 و 139.

6) تحف العقول، ص 304.

7) همان.

8) وی از فرزندان صالح شقرانی یكی از اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله می‌باشد. صالح در اوایل برده بود كه پیامبر صلی الله علیه و آله آزادش نمود، بدین جهت بعنوان آزاده شده پیامبر لقب گرفت.

9) بحار الانوار، ج 47، ص 349؛ داستان راستان، ص 152.

10) اصول كافی، كتاب الایمان والكفر، باب الصدق و اداء الامانة، حدیث 5.

11) چهل حدیث، امام خمینی رحمه الله، ص 477.

12) كافی، ج 2، ص 105.

13) شجره طوبی، ج 1، ص 3.

14) رجال كشی، ص 249.

15) تحف العقول، ص 303.

16) عبدالله بن جندب بجلی كوفی مردی جلیل القدر، مورد اعتماد ائمه اطهار علیهم السلام و همنشین امام باقر، امام صادق، امام كاظم و حضرت رضا علیهم السلام بود. عبدالله كه شخصیتی فقیه، محدث و اهل عبادت بود، از طرف امام كاظم و امام رضا علیهما السلام سمت وكالت را به عهده داشت. بعد از فوت وی علی بن مهزیار جانشین وی گردید.

17) تحف العقول، ص 305.

18) این سخن كنایه از نهایت پنهان كاری در انجام كارهای نیك می‌باشد.

19) - كشف الغمه، ج 2، ص 207.

20) همان، ص 208.

21) بحار الانوار، ج 75، ص 138.

22) تحف العقول، ص 303.

23) وسائل الشیعه، ج 11، ص 503.

24) بحار الانوار، ج 78، ص 268.

25) كافی، ج 2، ص 609.

26) وسائل الشیعه، ج 4.